

بسم الله الرحمن الرحيم

## آخرین تحولات در لیبیا و سودان

(ترجمه)

### پرسش اول

حفتر به گونه غیرمترقبه به غرب لیبیا حمله نمود و این حمله هنوز ادامه دارد؛ در حالی که جبهه جنگ میان او و سراج تقریباً آرام بود. چه چیزی باعث شد حفتر دست به چنین حمله‌ای بزند؛ به ویژه با توجه به این که حکومت سراج در غرب لیبیا حکومتی است که از طرف جامعه جهانی به رسمیت شناخته شده؟ و پیامد این حمله چه خواهد بود؟

### پاسخ

1. پاسخ را می‌توان از منشوری که قبلاً به تاریخ 20 فبروری 2019م، یعنی حدوداً 40 روز پیش از حمله حفتر منتشر نمودیم، دریافت. در آن منشور تصویری روشنی از تحولات امور در لیبیا ارائه نمودیم که از جمله می‌توان به بخش‌هایی از آن اشاره نمود:

«**اول:** حفتر، مزدور امریکا، با تسلط‌اش بالای شهر بنغازی در حقیقت بالای سراسر شرق لیبیا تسلط پیدا نمود و با یک‌طرفه نمودن کشمکش در شهر درنه در نیمه سال 2018م به نفع خودش، تسلط خویش را بالای شرق لیبیا کاملاً استحکام بخشید. پس از آن که جنگ‌ها به منطقه کمر بند نفتی کشانیده شد، کشمکش‌ها در لیبیا میان مزدوران امریکا به رهبری حفتر و مزدوران اروپا به رهبری سراج در طرابلس شدت بیشتری گرفت. حفتر با گسترانیدن تسلط خویش بالای کمر بند نفتی، پله نظامی‌اش را نسبت به حکومت سراج سنگین‌تر نمود. اما امکانات نظامی را که حفتر از سیسی، مزدور دیگر امریکا در مصر به دست می‌آورد، در حدی نیست که به او امکان دهد تا غرب لیبیا را به صورت کامل به تصرف خود در آورد؛ زیرا در غرب مستقیماً با دولت‌های اروپائی به علاوه نزدیکی آن با الجزائر، که وابسته به اروپائیان است، طرف است. ترس حفتر از الجزائر و مداخله آن پوشیده نیست؛ بلکه به صراحت از آن یاد نمود: «طاهر سیاله وزیر خارجه لیبیا روز دوشنبه در سخنانی از اظهارات خلیفه حفتر اظهار بی‌اطلاعی نموده و آن را غیرمسئولانه خواند. حفتر هشدار داده بود که: "دامنه جنگ لیبیا را در ظرف چند لحظه به داخل خاک الجزائر می‌کشاند." حفتر قبلاً اعلان نموده بود که الجزائر از اوضاع امنیتی لیبیا سوءاستفاده می‌کند و این که شماری از سربازان الجزائری با عبور از مرز، وارد خاک لیبیا شده‌اند.» (منبع: فرانس 24، 10 سپتمبر 2018م)

**دوم:** این که مصر به رهبری سیسی و به دستور امریکا از حفتر حمایت نموده و این حمایت به او قدرت داده تا شرق لیبیا و منطقه کمر بند نفتی را زیر تسلط خود در آورد، یک طرف واقعیت موجود در لیبیا است و واقعیت دیگر اینست که حکومت سراج به دلیل نزدیکی جغرافیائی با آن، از حکومت وی حمایت می‌کند و هم‌چنین اروپا در پس این حکومت قرار دارد. این دو واقعیت به مثابه ترازویی است که هردو پله آن تقریباً با هم مساوی است؛ هرچند پله نظامی حفتر به دلیل حمایت بزرگ امریکا از وی سنگین‌تر است؛ زیرا امریکا در پی آنست تا موقف حفتر را با اقدامات نظامی استحکام بخشیده و وی را غالب کند؛ سپس دروازه مذاکرات را بگشاید.

اما پله سیاسی، هنوز هم به نفع حکومت سراج سنگینی می‌کند؛ زیرا نفوذ اروپا، تسلط وی بالای طرابلس-پایتخت و سنگینی کدرهای سیاسی وابسته به اروپا را ضمانت نموده. به همین دلیل است که حفتر نمی‌تواند به جانب پایتخت پیشروی نماید و نه هم می‌تواند وارد مذاکرات جدی با حکومت سراج شود و در نتیجه هردو طرف با سنگینیی که دارند، سر جای خود باقی مانده‌اند و دو جانب مساوی به نظر می‌رسند. این دو تنگنا باعث شده که هردو طرف کشمکش در لیبیا در وضعیت جمود به سر ببرند و هیچ طرفی نتواند اوضاع را به نفع خود یک طرفه نماید. بنابر این، کشاندن دامنه جنگ‌ها به جنوب یمن برای حفتر نوعی خروج از این تنگناها تلقی می‌گردد تا بتواند از طریق آن دامنه تسلط نظامی خویش را گسترش داده و به این ترتیب راه حل با تأثیرگذاری قوی‌تر امریکا نسبت به اروپا مطرح گردد که چنین هم شد؛ چنانچه «سخنگوی اردوی ملی لیبیا اعلان نمود که نیروهای خلیفه حفتر روز چهارشنبه عملیات گسترده نظامی را در جنوب این کشور به هدف "پاک‌سازی آن" از گروه‌های مسلح، به شمول افراد گروه افراطی داعش و جریان‌های جنایتکار راه‌اندازی نمودند.» (منبع: فرانس 24، 17 جنوری 2019م)

خلاصه این که ممکن است حفتر با کمک‌های زیاد نظامی که امریکا، به ویژه از طریق مصر برایش فراهم می‌کند، بتواند لیبیا را به دو بخش تقسیم کند. بخش شرقی را به صورت کامل در اختیار گرفته و کمر بند نفتی را، که شاه‌رگ اقتصاد لیبیا به شمار می‌رود، نیز به تصرف خود در آورده و در بخش غربی نیز تا حدودی رخنه نموده و اینک به جانب جنوب روی آورده تا تسلط نظامی و اقتصادی‌اش را در آن گسترش دهد.

از آن جایی که امریکا به دلیل ترسی که از الجزائر و پشتیبانی بزرگ اروپا از حکومت سراج در غرب دارد، حفتر را برای برآوردن اهداف دیگری به جانب غرب لیبیا سوق می‌دهد و آن عبارت است از اذیت نمودن دولت‌های اروپائی در مسئله مهاجرت و هجوم به نفوذ فرانسه در دولت‌های هم‌جوار لیبیا از یک زاویه دیگری که در آغاز از چاد شروع نموده است.» نقل قول تمام شد.

به نظر می‌رسد حفتر با استفاده از تحولات اخیر الجزایر و مشغول شدن اردوی الجزایر به این تحولات، اقدام حمله به غرب لیبیا (مرز الجزایر) نموده. این حمله از تاریخ 4 اپریل 2019م، یعنی دو روز پس از استعفای بوتفلیقه، که اوج بحران بود، آغاز شد و این فرصت‌طلبی به او امکان داد تا به گونه قابل توجهی خودش را به طرابلس نزدیک کند.

2. این که نتیجه این حمله چه خواهد بود، باید گفت که انتظار نمی‌رود حفتر این قضیه را با تسلط یافتن بالای طرابلس یک طرفه نماید، به دو دلیل:

اول: این اروپا و الجزایر بود که در برابر حفتر قرار می‌گرفت؛ اما الجزایر در حال حاضر سرگرم شرایط داخلی خود است و اروپا هنوز توان اعمال فشارهای سیاسی را دارد: «فدریکا مودورونی مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا روز دوشنبه خواستار آتش‌بس بشردوستانه در لیبیا و برگشتن به مذاکرات شد.» (منبع: اسکای نیوز 8 اپریل 2019م) انگلیس نیز پیشنهاد توقف جنگ را به شورای امنیت پیش نمود: «پس از آن که نیروهای خلیفه حفتر، که نیرومندترین مرد در شرق لیبیا به شمار می‌رود، برای تسلط بالای شهر طرابلس دست به حمله زدند، انگلیس پیشنهادی را تسلیم شورای امنیت نمود و در آن خواستار توقف فوری جنگ در لیبیا گردید. آژانس فرانس پرس روز سه‌شنبه یک نسخه از این پیشنهاد را به دست آورد. در این پیشنهاد گفته شده که حمله "اردوی ملی لیبیا" به

رهبری حفتر، ثبات لیبیا و روند مذاکرات سیاسی به رهبری سازمان ملل و راه‌حل سیاسی فراگیر بحران را مختل می‌کند.» (منبع: آژانس جهانی فرانس پرس، 16 اپریل 2019م)

پس اروپا با تمام توان برای متوقف نمودن پیش‌روی حفتر از فشارهای سیاسی استفاده خواهد نمود و حتی در صورت لزوم دست به مداخله نظامی نیز خواهد زد: «احمد مسماری یکی از نظامیان برجسته اردوی ملی لیبیا گفت: «طیاره‌های نیروهای مربوط به حکومت وفاق در حملات بالای مواضعی در لیبیا توسط دو تن پیلوت خارجی به پرواز آمده.» (منبع: العربیه نت، 13 اپریل 2019م) هم‌چنین: «فدریکا مودورونی مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا روز سه‌شنبه دولت‌های این اتحادیه را تشویق نمود تا کشتی‌های جنگی‌شان را مجدداً به بحر متوسط بفرستند تا در عملیات موسوم به "صوفیا" با قاچاق سلاح و نفت در لیبیا مبارزه نمایند. وی در ادامه افزود: «حمله‌ای را که "خلیفه حفتر" بالای طرابلس راه‌اندازی نموده، احتمالاً منجر به کشمکش‌هایی شود که در آن از سلاح‌هایی کارگرفته شود که نباید شود.» (منبع: سایت المدینه، 17 اپریل 2019م) گرچه او در این اظهارات‌اش خواستار برگرداندن کشتی‌های جنگی برای جلوگیری از قاچاق سلاح و نفت شد؛ اما موضوع را به حفتر و حمله‌اش بالای طرابلس پیوند داد! پس بعید به نظر نمی‌رسد این کشتی‌های جنگی به گونه غیرمستقیم و به بهانه قاچاق سلاح و نفت علیه حمله حفتر به کار گرفته شود.

دوم: امریکایی‌ها که از حفتر، به ویژه توسط مصر به رهبری سیسی، پشتیبانی می‌کنند، می‌دانند که اروپا به لیبیا توجه خاص دارد و با تمام توان تلاش خواهد نمود لیبیا را به این ساده‌گی و با ضربه‌های حفتر از دست ندهد. امریکا می‌داند که اروپا در برابر از دست دادن لیبیا به صورت کامل مقاومت خواهد نمود و این مقاومت را با استفاده از اسالیب مختلف به کار خواهد گرفت و به همین دلیل است که امریکا خواستار مذاکرات شد: «سفارت امریکا در لیبیا با نشر بیانیه‌ای در روز دوشنبه یک بار دیگر تأکید نمود که "بحران لیبیا راه‌حل نظامی ندارد" و در صفحه رسمی تویترش با اصرار نوشت: "راه‌حل سیاسی یگانه راهی است که می‌تواند این کشور را متحد نموده و نقشه عملی تأمین امنیت، استقرار و شکوفایی را برای تمام مردم لیبیا میسر خواهد کرد.» (منبع: اسپوتنیک عربی، 8 اپریل 2019م) اما امریکا این راه‌حل سیاسی را تا بهبود یافتن وضعیت حفتر و گسترش مناطق زیر تسلط وی پیوسته به تعویق خواهد انداخت تا این‌که موقف وی در مذاکرات، موقفی برتر و نیرومندتر باشد و به این ترتیب؛ سهم امریکا از این راه‌حل سیاسی مبتنی بر مذاکرات، سهمی بیشتر و نیرومندتر باشد و در عین حال، اروپا نیز سهمی هرچند اندک داشته باشد، به ویژه انگلیس، زیرا طبقه سیاسی لیبیا در حال حاضر وابسته به انگلیس است. بنابراین، انتظار می‌رود حفتر به پیشروی‌اش به جانب طرابلس ادامه ندهد و این شهر را به صورت کامل زیر تسلط خویش در نیارد و در عوض آن به مذاکرات بپردازد؛ مذاکراتی که حفتر در محراق توجه و مرکزیت آن قرار داشته باشد.

احتمالاً نقشه امریکا همین است که بیان شد و ممکن است این نقشه در صورتی که الجزایر بتواند مشکلات‌اش را به سرعت حل و فصل کند، به ناکامی بینجامد؛ زیرا در آن صورت اردوی الجزایر حفتر را تهدید خواهد نمود؛ بلکه حتی ممکن است مستقیماً با آن وارد جنگ شود. البته اوضاع جاری در الجزایر نشان می‌دهد که بحران این سرزمین به سرعت حل‌شدنی نیست و این امر باعث خواهد شد تا راه‌حل‌ها به درازا بکشد.

3. به این ترتیب، مسلمانان هم توسط حکومت سراج و هم توسط اردوی حفره به قتل می‌رسند؛ نه برای سربلندی دین الله سبحانه و تعالی و نه برای بیداری و شکوفایی بنده‌گان الله سبحانه و تعالی؛ بلکه برای این که امریکا و اروپا با صدای بلند و از عمق دل به مردمی بخندند که به خاطر منافع دیگران به جان یک‌دگر افتاده‌اند؛ مردمی که وقتی نقش‌شان در این مضحکه به پایان رسد، هیچ‌کسی نیست که به حال رقت بارشان اظهار تأسف کند. آری! کفار استعمارگر با مزدوران‌شان چنین می‌کنند و این مزدوران بی‌درک و درایت هرگز پند و عبرت نمی‌گیرند و چشم‌شان را باز نمی‌کنند تا به مصیبت‌های دنیوی و جایگاه پست اخروی‌شان نظری اندازند. الله عزیز و قوی چه دقیق و به جا می‌فرماید:

﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾

[اسراء: 72]

*ترجمه: اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراه‌تر است!*

### پرسش دوم

این چه وضعیتی است که در سودان جریان دارد: بشیر استعفا و یا بهتر است بگوییم برکنار شده و در جای امن است و از وی نگهداری می‌شود؛ سپس عوض جایگزین او می‌شود؛ او نیز یک روز بعد استعفا می‌دهد و برهان جایگزین‌اش می‌شود؟! از جانب دیگر، فرمانده نیروهای واکنش سریع می‌گوید که او وارد شورای نظامی نمی‌شود؛ اما در روز بعد به صفت معاون رئیس شورای نظامی تعیین می‌شود؟! مخالفان خواستار حکومت غیرنظامی با صلاحیت عام و تام می‌شوند و پاسخ شورای نظامی به این خواست این است که حکومت غیر نظامی تشکیل خواهد شد؛ اما رهبری از آن شورای نظامی خواهد بود. به این ترتیب، طرف‌های دخیل تا حدودی سردرگم و نگران اند؛ واقعیت امر از چه قرار است؟

### پاسخ

1. برادر عزیز! اگر منشورات ما را در این قضیه دنبال می‌نمودید، تصویر روشنی به دست می‌آوردید و نگرانی‌هایت برطرف می‌شد؛ چنانچه به تاریخ 4 مارچ 2019م، یعنی یک ماه پیش از برکناری عمر بشیر منشوری را منتشر نمودیم و در بخش پایانی آن چنین گفتیم: «در اخیر باید گفت: دو مسئله وجود دارد که قابل تأمل و دقت بیشتر است:

اول) نخستین چیزی که امریکا بالای مزدورانش الزامی می‌کند، اینست که با تمام توان باید برای تأمین منافع امریکا تلاش کنند و بشیر عملاً این کار را کرد؛ در حدی که حتی حاضر شد به خاطر تأمین منافع امریکا، جنوب سودان را جدا نماید و با این کار قسم‌اش را شکست. امریکا تا امروز از بشیر پشتیبانی می‌کند؛ چنانچه ارتباطاتی که با حکومت‌اش دارد و ما نمونه‌های آن را در فوق بیان نمودیم، به خوبی بیانگر این واقعیت است؛ اما در صورتی که اعتراض‌ها ادامه پیدا کند و بشیر نتواند آن را در کوتاه‌مدت مهار کند، از چشم امریکا خواهد افتاد و به این ترتیب توان خدمت‌گذاری به امریکا و منافع آن را نخواهد داشت و به این ترتیب، به گمان اغلب امریکا سعی خواهد نمود تا او را از قدرت کنار زند. احتمالاً کنار رفتن بعضی از طرفداران حکومت از سهم‌شان در حکومت تا بتوانند

بر موج اعتراض‌ها سوار شوند، به ویژه حزب میرغنی، که وابسته به امریکاست، احتمالاً به همین هدف صورت می‌گیرد؛ یعنی تلاش‌هایی برای ساختن بدیل؛ زیرا لازمه کنار زدن بشیر، وجد بدیلی است که در میان مردم پذیرفته شده باشد. امریکا معمولاً از این اسلوب با مزدورانش استفاده می‌کند؛ چنانچه با حسنی مبارک نیز استفاده کرد. زمانی که مبارک نتوانست اعتراض‌ها را مهار کند، امریکا به وی دستور داد کنار برود و او استعفاء نمود و طنطاوی و شورای نظامی را به جایش تعیین کرد. پس این اسلوبی است که در نزد امریکا معمول است و یگانه مسئله مهم در این اسلوب آنست که پیش از صدور دستور کنار رفتن به مزدور برحال، باید مزدور بعدی از هر لحاظ آماده شده باشد؛ زیرا امریکا می‌ترسد مبادا قبل از این که مزدور بعدی به پختگی برسد، مردان صادق و مخلص قدرت را در دست گرفته و تبدیل به خاری شوند که در گلوی امریکا گیر کند؛ چنانچه یگانه دلیل بقای بشار بر حکومت‌اش تاکنون همین مسئله بوده است.

دوم) آنچه مایه نگرانی است، اینست که مبادا خون‌های ریخته شده، زخم‌های متحمل شده و خساراتی که به منافع عامه وارد شده همه هدر رود و اعتراض‌ها در نهایت منجر به این شود که یک مزدور جایگزین مزدور دیگر گردد و قانون اساسی وضعی و ساخت بشر هم‌چنان در این سرزمین باقی مانده، جان‌های بیشتری را بگیرد و بنده‌گان الله سبحانه و تعالی را در رنج و بلا نگهدارد. این دقیقاً همان چیزی است که در مورد آن هشدار می‌دهیم؛ زیرا دیده می‌شود که اعتراض‌ها تا امروز شعار اسلام را سر نمی‌دهد و خواستار تطبیق احکام شریعت اسلامی از طریق رهبری صالح و صادقی نیست که در جهت ازسرگیری زندگی اسلامی با برپائی خلافت راشده سعی و تلاش کند و به این ترتیب، بحران سیاسی نیز به حال خود باقی مانده و حتی بدتر نیز شود. فرموده الله سبحانه و تعالی حق مبین است که می‌فرماید:

﴿فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾

[طه: 124-123]

**ترجمه:** هرکس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می‌شود و نه در رنج خواهد بود! و هرکس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت. « نقل قول تمام شد.

2. آنچه در سودان اتفاق افتاد و می‌افتد، تقریباً بیانگر اتفاقاتی است که در منشور ما ذکر گردیده بود؛ چنانچه بشیر نتوانست به اعتراض‌ها پایان دهد؛ بناءً اعتراض‌ها وی را به حاشیه راند و سرانجام کارش خسران، ذلت و اهانت شد. عوض بن عوف روز پنجشنبه جانشین او شد؛ اما روز جمعه وی نیز کنار زده شد؛ انگار از او به عنوان حلقه وصل، به علاوه این که در میان مردم نیز نفوذی نداشت، استفاده گردید. سپس عبدالفتاح برهان را به صحنه آوردند: «بشیر قبلاً در ماه فبروری 2018م وی را به صفت رئیس ارکان نیروهای زمینی تعیین نموده بود و به تاریخ 26 فبروری 2019م، بشیر با ترفیع رتبه نظامی عبدالفتاح موافقت نمود و در همان روز بود که به صفت تفتیش کل نیروهای مسلح نیز تعیین گردید.» (منبع: سایت سودان امروز، 13 اپریل 2019م) به این معنی: عمر بشیر، عبدالفتاح را به صفت تفتیش کل در جریان اعتراض‌ها برگزید و وی بود که صبح روز جمعه 12 اپریل 2019م با اعتصاب کنندگان مذاکره نمود

و شام همان روز به صفت رئیس شورای نظامی شروع به کار نمود؛ این تغییر و تبدیلی را بن عوف اعلان نمود؛ کسی که خودش بر اساس آن و درست یک روز پس از در دست گرفتن شورای نظامی، از این سمت کنار رفت.

برهان برای کاستن از تنش‌ها برخی گام‌هایی را برداشت؛ چنانچه: «عبدالفتاح برهان رئیس شورای نظامی انتقالی سودان به تظاهرکننده‌گان سر عطوفت و مهربانی نشان داد. وی در نخستین بیانیه‌اش اعلان نمود که برای تمثیل رهبری دولت، به زودی نشست نظامی تشکیل خواهد شد و برای اداره کشور در مرحله پیش‌رو، حکومت مدنی "با توافق همه" تشکیل خواهد شد. وی منع رفت و آمد را نیز لغو نمود و بازداشت شده‌گان را آزاد نمود.» (منبع: نشریه خرطوم-البیان، 14 اپریل 2019م) وی پس از آن محمد حمدان دقلو فرمانده نیروهای وانکش سریع را به صفت معاون خویش تعیین نمود. تعجب‌آور اینست که این دقلو خود روز پنج‌شنبه 11 اپریل 2019م گفته بود که هرگز در شورای نظامی شرکت نخواهد کرد؛ اما روز بعد آن به صفت معاون رئیس شورای نظامی شروع به کار کرد. وی در اظهارات‌اش چنین گفته بود: «مایلم به تمام مردم سودان اعلان نمایم که من به صفت فرمانده نیروهای وانکش سریع از تاریخ 11 اپریل 2019م، از مشارکت در شورای نظامی معذرت خواستم و کارم را به صفت بخشی از نیروهای مسلح ادامه داده و برای وحدت کشور و احترام به حقوق بشر و حمایت از مردم سودان سعی و تلاش خواهم نمود.» (منبع: آر تی، 12 اپریل 2019م) اما وی در روز بعد پس از این اعلان بود که معاون رئیس شورای نظامی شد. «شورای نظامی انتقالی سودان شام روز شنبه محمد حمدان دقلو فرمانده نیروهای وانکش سریع را به صفت معاون رئیس شورای انتقالی برگزید.» (منبع: مرصد، 14 اپریل 2019م) جهت معلومات باید گفت که این مرد یکی از ستون‌های حکومت بشیر به شمار می‌رفت و به نظر می‌رسد در حکومت جدید نیز نقش یک ستون را دارد؛ چنانچه هنوز یک روز از تاریخ تعیین وی به سمت جدیدش نگذشته بود که با کارآگاه امور سفارت امریکا دیدار نمود و با اظهار محبت از وی به گرمی استقبال نمود: «محمد حمدان دقلو معاون رئیس شورای نظامی روز یک‌شنبه در قصر ریاست جمهوری با استیفن کوتسیس کارآگاه امور سفارت امریکا در خرطوم دیدار نمود. به گفته آژانس خبری سودان "سونا" دقلو اوضاع و تحولات کشور و اسباب تشکیل شورای انتقالی نظامی و هم‌چنین گام‌هایی را که وی برای تأمین امنیت و استقرار در سودان برداشته، به اطلاع این دیپلمات امریکایی رساند.» بر اساس اظهارات منتشر شده از آژانس مذکور؛ کارآگاه امور سفارت امریکا نیز به نوبه خود از شورای نظامی به خاطر تأمین امنیت تحسین و تأکید نمود که دوطرف باید به همکاری‌های دوجانبه خویش ادامه دهند تا به این ترتیب روابط سودان و امریکا مستحکم‌تر گردد.» (منبع: سایت 24، 14 اپریل 2019م)

3. امریکا برای سهم‌گیری در استحکام اوضاع جاری اشاره نمود که ممکن است تحریم‌های اعمال شده بالای سودان، برداشته شوند: «یکی از مسئولین وزارت خارجه امریکا در اظهاراتی گفت: "در صورتی که ایالات متحده امریکا در حکومت سودان تغییرات اساسی و پای‌بندی به عدم حمایت از تروریسم را مشاهده کند، ممکن است برای حذف نام سودان از لیست دولت‌های حامی تروریسم راه‌های جدیدی را بررسی نماید.» (منبع: سایت البیان به نقل از رویترز، 17 اپریل 2019م)

پس از آن مزدوران امریکا برای پشتیبانی از اوضاع جدید در سودان دست به کار شدند:

- تماس تلفونی عبدالفتاح السیسی رئیس جمهور مصر به رئیس شورای نظامی سودان: رئیس جمهور مصر خطاب به عبدالفتاح برهان رئیس شورای انتقالی نظامی سودان تأکید نمود که مصر از امنیت و ثبات سودان به صورت همه‌جانبه حمایت می‌کند. (منبع: بخش عربی اخبار جهان، 16 اپریل 2019م)

- یک هیئت بلندرتبه مصری به تاریخ 17 اپریل 2019م به منظور تأکید بر حمایت از گزینه‌های مردم سودان وارد خرطوم شد: یک هیئت بلندرتبه مصری برای تأکید بر حمایت همه‌جانبه مصر از سودان، به این کشور سفر نمود. (منبع: روز هفتم، 17 اپریل 2019م)

- ابوظبی-اسکای نیوز عربی: شورای وزیران سعودی روز سه‌شنبه رویکرد جدید مردم سودان را در قبال آینده خویش و اقدامات شورای انتقالی نظامی سودان مورد تأیید قرار داد. (منبع: سایت الوطن، 16 اپریل 2019م)

4. سیاست امریکا برای هر صاحب بصیرتی کاملاً افشاء گردیده. سیاست امریکا در سودان در مرحله کنونی این است که به افرادش در اردو تکیه نموده و از آنان خواسته تا اوضاع را در دست بگیرند و منافع امریکا را تأمین نمایند. اگر نتوانند از عهده این کار بدر آیند، آنان را کنار زده و فرد دیگری را از اردو به صحنه خواهد آورد. هرچند شمار مخلصین در اردوهای مسلمانان زیاد اند، اما بازهم امریکا می‌تواند از میان این اردوها کسانی را بیابد که فریب متاع دنیا را خورده و به امت خویش خیانت کنند و از خائنین پیش از خود، که نقش آنان تمام شده، هیچ عبرتی هم نگیرند! سیاست امریکا می‌طلبد که برای تأمین منافع خود، نخست حکومت غیرنظامی راه‌اندازی کند؛ سپس آن را برداشته و یک‌بار دیگر مزدوران نظامی‌اش را بر سر کار آورد؛ چنانچه این سیاست را با حسنی مبارک در مصر بازی نمود؛ زمانی که اعتراض‌ها شدت گرفت و نتوانست در برابر آن ایستاده‌گی نماید، امریکا او را کنار زد و شورای نظامی طنطاوی را به صحنه آورد که در پی آن حکومت غیرنظامی زیر تسلط اردو را بر سرکار آورد و مدتی بعد سیسی، که یکی از افراد امریکا در اردو بود، قدرت را به دست گرفت؛ یعنی اردو مجدداً قدرت را در اختیار گرفت.

درست همین سیاست را با "نمیری" نیز بازی کرد؛ زمانی که اعتراض‌ها بالا گرفت و وی نتوانست در برابر آن مقاومت کند، امریکا او را کنار زد و به جای او سوارالذهب به قدرت رسید و اندکی بعد المهدی به صفت حاکم حکومت غیرمدنی غیرنظامی و زیر تسلط اردو شروع به حکومت نمود. اما چندی بعد عمر بشیر، که از افراد امریکا در اردو بود، قدرت را در اختیار گرفت؛ یعنی اردو مجدداً قدرت را در دست گرفت.

اینک که بشیر نیز نتوانست در برابر اعتراض‌ها تاب آورد، امریکا او را کنار زد و برهان و شورای نظامی‌اش به همکاری دقلو را به صفت معاون‌اش بر سر کار آورد. برهان به صراحت گفت که به زودی حکومت مدنی را؛ اما به رهبری اردو تشکیل خواهد داد؛ سپس غیرنظامیان برای مدتی در حکومت شرکت داده خواهند شد و پس از آن اوضاع به حالت اصلی خود برخواهد گشت!

این سیاستی است که غرب تقریباً با تمام مزدورانش بازی می‌کند؛ با این تفاوت که اروپا، به ویژه انگلیس سعی می‌کند راه‌حل‌های قانونی برای آن پیدا کند؛ اما امریکا به چنین راه‌حل‌های قانونی اهمیت نداده و سیاست‌اش را به پیش می‌برد!

5. هرچند صف مخالفان حالا مخلوطی از افراد و جریان‌های رنگارنگ است و تأثیر انگلیس در آن برجسته‌تر به نظر می‌رسد، به ویژه در گردهمایی کسبه کاران و حزب صادق المهدی؛ اما تا زمانی که قدرت واقعی در اختیار مزدوران امریکا در اردو باشد، این تأثیر محدود خواهد ماند؛ حتی اگر وارد حکومت غیرنظامی نیز شوند. این سیاست، چنان‌که قبلاً اشاره شد، سیاستی است که امریکا تقریباً در تمام سرزمین‌های مسلمانان پیش گرفته؛ چنان‌که هیچ اهمیتی به برگزاری انتخابات شفاف نمی‌دهد؛ زیرا نتایج چنین انتخاباتی به نفع آن نخواهد بود؛ بلکه به آن عده از مزدورانش تکیه می‌کند که در اردوهای مسلمانان کار می‌کنند؛ مزدورانی که پذیرفته‌اند: به دین و امت خویش خیانت کنند و زمانی که نقش‌شان به پایان رسید، به دور انداخته شده و به این ترتیب؛ پس از آن که دین خویش را از دست دادند، دنیای خویش را نیز از دست بدهند!

6. اما دردآور اینست که چرا آن عده افراد این اردوها که دوست‌دار دین و امت خویش اند، با وجود آن‌که شمارشان نسبت به خائنین و مزدوران کفار بیشتر اند، بازهم به این تعداد محدود فرصت می‌دهند تا در تبانی با باداران‌شان در زمین الله فساد کنند و با سیاست‌های امریکا همراه شوند؛ همراهی‌ای که کار آسانی نیست؛ بلکه در این همراهی قربانی می‌دهند و برای کمک به امریکا، که رهبر شر و فساد است و سایر دولت‌های غربی، مجروح و حتی کشته می‌شوند؟! این در حالی‌ست که اگر آنان دین الله را نصرت دهند، هم در دنیا و هم در آخرت پیروز و سربلند خواهند شد و به سان انصار خواهند بود که الله را یاد نمودند، دینش را نصرت دادند و الله سبحانه و تعالی نیز آنان را یاد نمود و به آنان نصرت داد؛ در حدی که وقتی یکی از آنان، "سعد بن معاذ" در گذشت، هفتاد هزار ملک در جنازه او حاضر شده بودند و عرش الله سبحانه و تعالی در مرگ‌اش به اهتزاز در آمد؛ چرا؟ زیرا آنان دین الله را نصرت داده بودند.

**پس شما نیز ای سربازان و اردوهای مسلمانان!** در چنین راهی سعی و تلاش نمائید تا باشد که الله متعال در دنیا به شما عزت داده و در آخرت پیروزی بزرگ را نصیب‌تان کند. اما آنانی که در حق امت خویش خیانت می‌کنند و به سران کفر، اعم از امریکا و انگلیس و وابسته‌گان‌شان نصرت می‌دهند، بدانید که آنان دنیا و آخرت‌شان را از دست می‌دهند و زمانی که نقش‌شان به پایان رسد، خیلی سریع و به ساده‌گی به دور انداخته خواهند شد و هیچ‌کسی به دادشان نخواهد رسید؛ چنانچه با حکام پیش از آنان شد. آنگاه اظهار پشیمانی خواهند نمود؛ در حالی که چنان پشیمانی هیچ فائده‌ای نخواهد داشت. این بود نصیحت و توصیه ما به شما، به امید آن که در مورد آن بیندیشید و تصمیم درست را اتخاذ نمائید. الله متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾

[ق: 37]

**ترجمه:** در این تذکری است برای آن کس، که عقل دارد، یا گوش دل فرادهد؛ در حالی که حاضر باشد!

11 شعبان 1440 هـ.ق

17 اپریل 2019 م